

**محل زندگی امام زمان (عج) کجاست؟/ ۵ نظریه در مورد محل سکونت امام عصر**

یکی از مسائل عمومی که در مورد غیبت کبری مطرح است این است که محل زندگی حضرت در این دوران کجاست؟ در این مورد هر قولی را اختیار بکنیم ضرری به اصل مسئله مهدویت نمی رساند.

یکی از مسائل عمومی که در مورد غیبت کبری مطرح است این است که محل زندگی حضرت در این دوران کجاست؟ در این مورد هر قولی را اختیار بکنیم ضرری به اصل مسئله مهدویت نمی رساند.

به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر جلسه چهل و چهارم از سلسله مباحث مهدویت است که توسط حجت الاسلام سیدمحمدباقر علوی تهرانی ایراد شده است.

یکی از مسائل عمومی که در مورد غیبت کبری مطرح است این است که محل زندگی حضرت در دوران غیبت کبری کجاست؟ ما در اینجا هر قولی را اختیار بکنیم ضرری به اصل مسئله مهدویت نمی رساند چراکه مسئله ای تاریخی است و نه اعتقادی.

در این مورد باید دوران مختلف زندگی امام را مد نظر گرفت. دوره اول زندگی ایشان که از ولادت تا شهادت امام عسکری در سال ۲۶۰ است، در این پنج سال عموم روایات بر زندگی امام در سامراء تاکید دارند.

فردی روایت می کند «أَتَيْتُ سِرًّا مَنْ رَأَى وَ لَزِمْتُ بَابَ أَبِي مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَدَعَانِي مِنْ غَيْرِ أَنْ أَسْتَأْذِنَ فَلَمَّا دَخَلْتُ وَ سَلَّمْتُ قَالَ لِي يَا أَبَا فَلَانٍ كَيْفَ خَالِكَ ثُمَّ قَالَ لِي أَفْعُدُ يَا فَلَانُ ثُمَّ سَأَلَنِي عَنْ جَمَاعَةٍ مِنْ رَجَالٍ وَ نِسَاءٍ مِنْ أَهْلِي ثُمَّ قَالَ لِي مَا الَّذِي أَقْدَمَكَ فُلْتُمْ رَعْبَةً فِي خِدْمَتِكَ قَالَ فَقَالَ قَالِزِمَ الدَّارَ قَالَ فَكُنْتُ فِي الدَّارِ مَعَ الخَدَمِ ثُمَّ صِرْتُ أَشْتَرَى لَهُمُ الخَوَائِجَ مِنَ السُّوقِ وَ كُنْتُ أَدْخُلُ عَلَيْهِ مِنْ غَيْرِ إِذِنْ إِذَا كَانَ فِي دَارِ الرِّجَالِ فَدَخَلْتُ عَلَيْهِ يَوْمًا وَ هُوَ فِي دَارِ الرِّجَالِ فَسَمِعْتُ حَرَكَةً فِي البَيْتِ فَتَادَانِي مَكَانَكَ لَا تَبْرَحْ فَلَمْ أَجِسْ أَنْ أُخْرَجَ وَ لَا أُدْخَلَ فَخَرَجْتُ عَلَيَّ جَارِيَةً مَعَهَا شَيْءٌ مُعْطَى ثُمَّ تَادَانِي أُدْخَلَ فَدَخَلْتُ وَ تَادَى الجَارِيَةَ فَرَجَعْتُ فَقَالَ لَهَا إِكْشِفِي عَمَّا مَعَكَ فَكَشَفْتُ عَنْ غَلَامٍ أَبْيَضَ حَسَنَ الوَجْهِ وَ كَشَفْتُ عَنْ بَطْنِيهِ فَإِذَا شَعْرٌ تَابِتٌ مِنْ لَبْتِيهِ إِلَى سُرَّتِيهِ أَخْضَرَ لَيْسَ بِأَسْوَدَ فَقَالَ هَذَا صَاحِبُكُمْ ثُمَّ أَمَرَهَا فَحَمَلْتُهُ فَمَا رَأَيْتُهُ بَعْدَ ذَلِكَ حَتَّى مَضَى أَبُو مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ.»

یعنی من آمدم به سر من رأی (سامرا) و ملازم در خانه امام ابی محمد (ع) شدم و بی آنکه اجازه ورود خواهم، مرا خواست و چون نزد او در آمدم و سلام دادم، به من گفت: ای آبا فلان، حالت چطور است؟ و سپس به من فرمود: ای فلانی بنشین، سپس از حال جمعی مردان و زنان خاندان من از من پرسش کرد، سپس فرمود: برای چه به اینجا آمدی؟ در پاسخ گفتم: برای شوق خدمت کاری شما. گوید: به من فرمود: پس در خانه بمان، من با دیگر خدمتکاران در خانه آن حضرت به سر می بردم و سپس به مقامی رسیدم که برای آنها از بازار نیازمندی هایشان را خرید می کردم و بی اجازه بدان حضرت وارد می شدم هر وقت مردانی در خانه بودند. یک روز وارد بیرونی آن حضرت شدم که آماده پذیرایی از مردان بود و آن حضرت در آنجا بود و در اطاق یک حرکتی شنیدم، آن حضرت به من فریاد کرد: به جای خود باش، قدم فرا مگذار، من جرأت نکردم که برآیم و نه درآیم و کنیزکی برابر من از اطاق بیرون شد و چیز سر پوشیده ای با او بود. سپس فریاد کرد که: بیا درون، من به درون اطاق رفتم و آن کنیزک را آواز داد و برگشت و به او فرمود: از آنچه با خود داری پرده بردار، او سر پوش را بالا زد از روی پسر بچه سپیده و زیبا رخی، و شکم او را باز کرد و بناگاه دیدم یک رشته موی سبز نه سیاه از زیر گلویش تا نافش کشیده و به من فرمود: این صاحب الامر شما است، سپس به آن کنیزک فرمود: او را با خود بر، با خود برد و پس از آن دیگر تا ابو محمد وفات کرد او را ندیدم.

این روایت و چند روایت دیگر به تصریح اشاره دارند که امام عصر در دوران ولادتشان تا شهادت پدر صرفاً در سامرا بوده اند. اجماع وجود دارد که حضرت در آن ۵ سال در سامرا بوده اند.

در دوره دوم که دوره غیبت صغری است، دو مکان برای زندگی حضرت ذکر شده است.

امام صادق فرمود «لِلْقَائِمِ غَيْبَتَانِ إِحْدَاهُمَا قَصِيرَةٌ وَ الأُخْرَى طَوِيلَةٌ الغَيْبَةُ الأُولَى لَا يَعْلَمُ يَمَكَانَهُ فِيهَا إِلا خَاصَّةٌ شِيعَتِهِ وَ الأُخْرَى لَا يَعْلَمُ يَمَكَانَهُ فِيهَا إِلا خَاصَّةٌ مَوَالِيهِ»

یعنی برای حضرت قائم (عج) دو غیبت است: یکی کوتاه و دیگری دراز، در غیبت اول جز شیعیان مخصوص از جای آن حضرت خبر ندارند، و در غیبت دیگر جز دوستان مخصوصش از جای او خبر ندارند (مقصود از دوستان مخصوص خادمان و اهل بیت آن حضرت و یا همان ۳۰ نفری است که در جلسه قبل بحث شد).

در این روایت در مورد اینکه حضرت کجا هستند اشاره ای ندارد.

دسته دیگری از روایات هست که در غیبت صغری مکانی را برای زندگی حضرت ولی عصر مشخص می کنند.

امام صادق (ع) فرمود «لابد لصاحب هذا الامر من غيبة و لابد له فی غيبته من عزله و نعم المنزل طيبة»

یعنی به ناچار صاحب الامر (ع) از نظرها غایب شود و به ناچار در این غیبت از عموم مردم کناره گیری می کند و چه خوب منزلی است «طیبه».

طیبه صفت مدینه است، لذا به استناد این روایت، حضرت در مدینه هم رفت و آمد داشته اند. با توجه به اینکه امام در دوران غیبت صغری عموماً در عراق و سامرا بوده اند، مدینه را نیز برای آن حضرت ذکر می کنند.

لذا سامرا و مدینه به استناد روایات در دوران غیبت صغری برای مکان زندگی حضرت ذکر شده است.

اما در دوره غیبت کبری چند مکان را برای امام ذکر کرده اند.

اولین جایی که ذکر شده شهر مدینه است.

ابابصیر از امام باقر ذکر می کند «لابد لصاحب هذا الامر من عزلة و لابد فی عزلته من قوة، و ما بثلاثین من وحشة، و نعم المنزل طيبة»

یعنی صاحب امر ناگزیر به یک کناره جویی و عزلتی است و آن خانه طیبه چه خانه خوبی است که به واسطه همراهی آن سی نفر وحشتی وجود ندارد.

نقش این سی نفر این است که هر کس به حضرت متوسل شود، گاهی گره گشایی حضرت از طریق این افراد است. این سی نفر برای کارگزاری امام هستند. اینها به عنوان محافظ برای امام عمل می کنند. دارای طول عمر غیرعادی نیستند. این افراد از طریق خود امام انتخاب می شوند. نواب خاص در دوره غیبت صغری از امام حکم داشتند و موظف بودند خود را به مردم معرفی کنند ولی آن سی نفر ماموریت اینچنینی ندارند. در راس اینها هم جناب خضر هستند.

با این روایت مشخص می شود که یکی از مکان هایی که امام در دوره غیبت کبری زندگی می کنند، مدینه است.

فرق این روایت با روایتی که از امام صادق (ع) خواندیم که حضرت فرمودند «لابد لصاحب هذا الامر من غيبة و لابد له فی غيبته من عزله و نعم المنزل طيبة» این است چون در اینجا به آن سی نفر اشاره ای نشده است، نشان می دهد که این روایت مربوط به دوران غیبت صغری است. چون وجود سی نفری که ذکر کردیم مخصوص غیبت کبری است.

دومین مکانی که در دوره غیبت کبری به عنوان محل زندگی حضرت نقل می شود، کوهی است به نام ذی طوی. این ناحیه در یک فرسخی مکه و در محدوده حرم است.

امام باقر می فرماید «یکون لصاحب هذا الأمر غيبة فی بعض هذه الشّعب.» ثمّ أوما بی ده إلی ناحية ذی طوی.

یعنی برای صاحب این امر در این نواحی غیبتی خواهد بود. سپس با دست به منطقه ذی طوی اشاره کردند.

امام صادق (ع) می فرماید: گویی قائم را با چشم خود می بی نم که با پای برهنه در ذی طوی سرپا ایستاده، همانند حضرت موسی (ع) نگران و منتظر است که به مقام ابراهیم بیاید و دعوت خود را اعلام نماید.

به نظر می رسد که ذی طوی منطقه ای است که در نزدیکی ظهور و قیام، حضرت از آنجا به مکه می روند و سه روز

اعتکاف می کنند و آیه «امن یجیب» می خوانند و آنگاه که اذن برای خروج به حضرت داده می شود، در مقام ابراهیم پشت به کعبه می کنند و با آن ۵ جمله خود را معرفی می کنند و قیام آغاز می شود.

ظاهراً ذی طوی محلی برای زندگی آن حضرت در زمان نزدیک ظهور یا مقارن ظهور است.

در جلسات گذشته ذکر کردیم که منظور ما از غیبت این است که حضرت پنهان است و یا اینکه شناخته نمی شود؟ غالب مفسرین بر این باورند که امام شناخته نمی شوند. نظیر داستان یوسف که برادرانش او را نشناختند. حال اینکه ما به ذی طوی برویم این طور نیست که بتوانیم حضرت را بشناسیم. خدا هر طور که صلاح بداند، ولی خود را حفظ می کند.

سومین منطقه ای که برای محل زندگی حضرت نقل شده رضوی است. این ذی طوی و رضوی دو مکان هستند که در دعای ندبه هم به آن اشاره شده است.

رضوی کوهی است در منطقه روجاء، بیرون از مدینه که در فاصله ۷ منزلی از مدینه قرار دارد. عبدالاعلی مولی آل سام می گوید: همراه امام صادق (عج) از منزل خارج شدم. چون به روجاء رسیدیم، آن حضرت گردن کشید و به کوه آن منطقه نگاه کرد و به من فرمود: این کوه را می بینی؟ به آن رضوی می گویند. همانا در آن، هر درخت میوه داری است و آن جا محل امن خوبی برای شخص ترسان است این جمله را دوبار تکرار فرمود همانا برای صاحب این امر در آن دو غیبت خواهد بود؛ یکی، کوتاه و دیگری، طولانی.

چهارمین منطقه ای که بیان می کنند، بر اساس این روایت است که امام صادق می فرماید برای صاحب امر شباهتی به حضرت عیسی است که این شباهت این است که دائماً در حال سفر هستند.

بر اساس این روایت حضرت در هر منطقه ای ورود می کنند و منطقه خاصی برای زندگی حضرت ذکر نشده است.

پنجمین منطقه ای که ذکر می شود، جزیره خضراء است. قبل از اینکه در مورد جزیره خضراء صحبت کنم در مورد مکان حضرت در دوران ظهور نکاتی را عرض می کنم.

امام صادق در مورد مسجد سهله می فرماید «أما إته منزل صاحبنا إذا قام بأهله» آنجا اقامت گاه صاحب ما است، هنگامی که با اهلیش قیام کند.

امیرالمومنین می فرماید گویی او را با چشم خود می بی نم که از وادی السلام عبور کرده، بر فراز اسبی که سپیدی پاها و پیشانی اش همی درخشد، به سوی مسجد سهله در حرکت است، وزیر لب زمزمه دارد و خدا را این گونه می خواند: (لا إله الاالله حقاً حقاً)؛

اما در مورد جزیره خضراء اجمالی را عرض می کنم که عقیده ما در مورد خضراء نیست و صرفاً نقل قول است و در جلسه بعد این قضیه را تحلیل خواهیم کرد.

جزیره خضراء، منطقه ای در جنوب اسپانیا نزدیک تنگه جبل الطارق است که در منابع کهن از آن به «باب الأندلس» یاد شده است. جزیره خضراء به عنوان محل سکونت و اقامت صاحب الأمر، از دوره صفویه در ادبیات شیعیان مطرح شده است. دو گزارش در منابع حدیثی و اعتقادی شیعه در این باره آمده است که یک گزارش را علامه مجلسی و یک گزارش را محدث نوری نقل می کند.

مرحوم مجلسی در بحار در جلد ۱۳ باب کسانی که شرفیاب محضر امام شده اند را تحت عنوان نوادر باز می کنند که خود بیان می کنند که این داستان را از این جهت ذکر می کنم که مشتمل بر یک تشریح است، و الا اظهار نظر نمی کند که این حرف درست است یا غلط است.

اصلاً دأب مرحوم مجلسی در کتاب بحار این است که هر آنچه که هست در روایات را جمع آوری کند. بخاری یک میلیون حدیث را از بین برد و به سلیقه خودش ۷ هزار حدیث را نقل کرده است. با چه مجوزی این کار را کرده است؟ این یک اتهام برای این شخصیت است.